

نامه‌ای حقوقی منتسب به اعضای هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران خطاب به وزیر صمت و نکاتی به نام فردی از حقوقدان‌های مرکز داور این نهاد در نشست غیرقانونی روز یکشنبه ۱۷ دی‌ماه هیئت نمایندگان منتشر شده است.

«جهانبخش سنجابی» عضو انجمن نظارت بر دهمین دوره انتخابات اتاق ایران با اشاره به نامه حقوقی منتشرشده‌منتسب به اعضای هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران خطاب به وزیر صمت و نکاتی که به نام فردی از حقوقدان‌های مرکز داور این نهاد در نشست غیرقانونی روز یکشنبه ۱۷ دی‌ماه هیئت نمایندگان منتشر شده است مطالبی ارائه کرده که در ذیل می‌آید؛

بر خلاف ادعای منتشرشکرکنندگان مبنی بر حقوقی بودن نامه متناسفانه نامه مذکور فاقد محتوای قابل قبول متقن، حقوقی و صواب است. ادعاهای مطرح‌شده حقوقی در این نامه و جلسه هیئت نمایندگان برای هیچ کسی لازم‌الاجرا و الزام‌آور نیستت و همان‌طور که وزیر صمت در پاسخ به نامه هیئت‌رئیسه اتاق ایران اعلام کرد

«فراز از تصریح مواد قانونی به موجب رویه و اراده قضائی طی شده در یک روند بیش از ۱۵ ساله از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ که من بررسی کرده‌ام شکایت از ارکان اتساق بازرگانی در موارد اختلافات اعضا و حتی ارکان پایین دستی با هم در صلاحیت شورای عالی نظارت است.

وظیفه هیئت‌رئیسه منحصراً محدود به وظایف مندرج در ماده ۱۹ قانون تشکیل این نهاد است و به موجب بند هفتم همین ماده که اطلاق دارد اعضای هیئت‌رئیسه مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی نظارت هستند ولذا تذکرا در نامه توصیه شده بود که انتخابات ریاست اتاق مطابق برنامه در دستور کار قرار بگیرد.

طرح چنین مسائلی از حیثه اختیارات

هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران خارج و مطابق قانون غیرمسموع است حتی اگر هیئت‌رئیسه باور به نادرست بودن مصوبه شورای عالی نظارت دارد مراتب را مکتوب به رئیس شورایای مذکور اعلام داشته است حال دیگر پاسخ وزیر صمت به عنوان رئیس شورا تمام‌کننده مباحث بود و هیئت‌رئیسه عذر و بهانه‌ای برای عدم اجرای مصوبه یکم آبان ماه ندارد.

حقوقدان حاضر در جلسه هیئت نمایندگان سه موضوع را مطرح کرده است که شامل عدم اختیار دخالت دبیرخانه شورای عالی نظارت و دبیر آن در امور اتاق، عدم قدرت احیای انجمن نظارت بر انتخابات و عدم اختیاری ورود به انتخابات هیئت‌رئیسه برای شورای عالی نظارت می‌شود.

**ادعاهایی که مسموع نیست**

بررسی نامه هیئت‌رئیسه گویای این واقعیت است که این هیئت در بند تفاسیر و اشتباهات شبه حقوقی قرار گرفته‌اند. هیچ کس مدعی نیست شخصی دبیر یا دبیرخانه شورا صالح به دخالت در امور اتاق است اما ادعای دخالت دبیر شورا نادرست استت چون ابلاغ مصوبات و تهیه

در توضیح مزیت اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم و جایگزینی مالیات بر مجموع درآمد یا PIT به جای نظام مالیاتی فعلی باید گفت، در قانون مالیات‌های مستقیم یک بخشی مربوط به درآمد است. برخی از درآمد‌ها مربوط به مشاغل و بخشی مربوط به درآمد اتفاقی است، بخشی درآمد حقوق و دستمزد و یک بخش هم درآمد ناشی از فروش سهام و شرکت‌هاست. درواقع آنچه که با اجرائی شدن طرح مالیات بر مجموع درآمد اتفاق می‌افتد این استت که دد ملی شخص بر مبنای اظهارنامه، مینا قرار می‌گیرد و همه درآمدهای فرد یک طرف و در طرف دیگر همه اقساط و مخارج سالیانه فهرست می‌شود. مابه‌التفاوت این دو، سود است و مالیات از این سود گرفته می‌شود.

**شفافیت بیشتر**

از منظر معافیت یک شخص می‌تواند یک معافیت شغلی داشته باشد که مربوط به ماده ۱۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم است و هم‌زمان می‌تواند یک معافیت ماده ۸۶ بگیرد که درصدی از پایه حقوق از مالیات معاف می‌شود. اگر درآمد شخص متمرکز شود به این معناست که – این معافیت‌ها که از دو جنس مختلف‌اند و یکی نسبت به شخص و دیگری نسبت به شغل است– یکپارچه می‌شوند. در توضیح تاثیر این طرح بر رفاه و توان اقتصادی اقشار متوسط جامعه می‌توان گفت؛ یک زمان صحبت از اصلاح ساختار سیستم است و یک زمان صحبت از ایجاد و تعیین نرخ است؛ این دو بسا هم متفاوتند. در حال حاضر نرخ‌های مالیاتی که در کشور وجود دارد، مانند نرخ ماده

گزارش‌های مسورد نیاز و گزارش‌گیری دبیرخانه از ارکان پایین‌تر در شورا قطعاً از طریق دبیرخانه آن ممکن بوده و انجام می‌شود. در کل می‌توان گفت دو ادعای مطرح‌شده دیگر از سوی این فرد یا افراد به دلایل بعدی قرین به صحت نیستت زیرا اولاً نمی‌توان مراجع تصویب‌کننده را محدود و مقید به مصوبات خود کنید؛ به این معنا که هر مرجعی که قانون تصویب می‌کند حدود آن باید در قانون اساسی یا قوانین عادی مربوطه تعیین شده باشد و در هیچ نظام حقوقی مرجع مصوبه‌گذار نظیر مجلس هیئت وزیران و شورا‌های عالی وجود ندارد که مقید و محدود به مصوبات خود باشد. لذا ادعای اینکه چون در فلان بند آیین‌نامه مصوب شورای عالی فلان چیز آمده است که با مصوبه اخیر شورا تعارض دارد نافی لازم‌الاجرا بودن مصوبه متاخر را فراهم نمی‌نماید و این ادعاها مسموع نیستت.

شورای عالی نظارت به موجب ماده ۶ تشکیل اتاق بازرگانی ایران رکن عالی اتساق بازرگانی محسوب می‌شود و به عنوان مرجع تصویب مصوبات نیز تعیین خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها و

**فراز از تصریح مواد قانونی به موجب رویه و اراده قضائی طی شده در یک روند بیش از ۱۵ ساله از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ که من بررسی کرده‌ام شکایت از ارکان اتساق بازرگانی در موارد اختلافات اعضا و حتی ارکان پایین دستی با هم در صلاحیت شورای عالی نظارت است.**

نظارت بر حسن جریان امور اتاق‌ها در بندهای ب و ج ماده ۹ تعیین شده است. در نامه هیئت‌رئیسه اتاق ایران اکثریت مواردی که به عنوان مستند نشان می‌دهد چهارم تیرماه که اعلام انحلال کرده است انجمن مطرح شده است در واقع استناد به بندهایی از مقررات و مصوبات قبلی مصوب خود شورا است که قطعاً هر حقوقدانی می‌داند و می‌پذیرد که هر مرجع تصویبی حق اصلاح یا حتی نسخ و حتی

در مورد انحلال انجمن (علی‌رغم توسیع قانون) صیج بوده است. اگر آقایان، به مصوبه شورای عالی برای انحلال انجمن استناد می‌کنند و آن را صحیح می‌دانند پس مصوبه بعدی شورا در مورد احیا انجمن نیز صحیح است.

ضمن آنکه مصوبه اول آبانماه ۱۴۰۲ به خوبی موید این واقعیت است که شورا انتخابات را به دلیل عدم صلاحیت کاندیدای ریاست و ابطال انتخاب رئیس به این دلیل را پایان یافته تلقی نموده است لذا خودبخود بقا انجمن وجود دارد حتی اگر انجمن خود را منحل کرده باشد چون اصلاً شروط انحلال تحقق نیافته است و رئیس انجمن

## اقتصادی

دیگر(هیئت نمایندگان و هیئت‌رئیسه) است و از باب نظرات و سیاست‌گذاری و چارچوب‌گذاری و نظارت بر امور اتاق و رسیدگی به شکایات مختلف مردم باید به روند گذشته نیز توجه نمود چرا که پیش از این دیوان عالی کشور و حتی دیوان عدالت اداری در دادنامه‌هایی صلاحیت شورای عالی نظارت در این امور را تصریح نموده است. به عنوان مثال در رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیم هیئت نمایندگان مبنی بر تجدید انتخابات هیئت‌رئیسه اتاق تهران در سال ۱۳۸۵ قرار عدم صلاحیت مرجع قضایی به اعتبار و شایستگی شورای عالی نظارت در دادنامه صادره مرجع بدوی را تأیید کرده است.

دادگاه‌ها بر قرار عدم صلاحیت و ارجاع امر به شورای عالی نظرات تأکید شده است و شعب مختلف دیوان عالی کشور نیز این فرارهای عدم صلاحیت را تأیید نموده‌اند که مشهورترین این موارد رای صادره شعبه ۱۶ دادگاه حقوقی مجتمع قضائی شهید بهشتی و ابطال انتخابات دور نهم در سال ۱۴۰۰ و ابطال این بخش از حکم صادره در رد شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مستند به رای شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور است که همه این موارد نشان می‌دهد بر خلاف ادعاهای مطرح‌شده شورای عالی نظارت بر اتاق از منظر مراجع بدوی تجدیدنظر دیوان عالی کشور و



ریاستت وقت قوه قضائیه صالح به رسیدگی و ورود به موضوعات مختلف شامل حسن جریان امور است.

**قاعده آمریت**

درباره طرح قاعده آمریت دستگه اجرایی از سوی هیئت‌رئیسه باید گفت؛ این بند در مورد شورا با توجه به صراحت ماده ۶ قانون تشکیل اتاق اساس موضوعیت ندارد زیرا در دادنامه ۹۹۰۹۰۹۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به استناد بند یک ماده واحده قانون دائمی کردن قانون مقابله با فساد و ارتقا سلامت نظام اداری تصریح شده که اتاق بازرگانی بخش خصوصی، عهده‌دار خدمات عمومی و خارج از دایره شمول دستگاهای اجرایی است که طبق قانون عهده‌دار یک یا چند وظیفه و حقوق عمومی تلقی می‌شود. این رای نشان و ماهه واحد مورد استناد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به خوبی مبین این موضوع است که

**اگر تعارضی میان نظرات ارکان هیئت‌رئیسه و شورا باشد قطعاً نظر رکن عالی یعنی شورای عالی نظارت ارجح قرار می‌گیرد و هیئت نمایندگان باید از شورای عالی نظارت تبعیت کنند نه از هیئت‌رئیسه که رکن پایین‌تر است که در قانون نیز تصریح شده است.**

فصل شود؛ این حکم نه تنها در دادگاه تجدیدنظر تأیید می‌شود بلکه در شعبه ۲۸ دیوان عدالت نیز بر تأیید قرار عدم صلاحیت مرجع قضائی برای خود و ضرورت ارجاع امر به شورای عالی نظارت بر اتاق بازرگانی ایران تأکید می‌شود. در دوره‌های بعدی نیز طرح دعواهای دیگری با مراجعه به مراجع قضائی طی سال‌های گذشته مطرح‌شده است که در اکثریت آنها در حکم

درآمد و شغل بلکه بر مبنای شخصیت حقیقی تنظیم کنیم؛ دقیقاً مانند سازوکار مالیات‌دهی شرکت‌ها. این شیوه بسیار کارآمدی است و از لحاظ تئوریک و آکادمیک نیز بسیار حرف درستی است و در خیلی از کشورها هم در حال اجراءست. جمعیت داده‌ها و بعد به تناسب آن تشخیص

بانک اطلاعاتی ما باید آن قدر دقیق و هوشمند باشد که هم مؤدیان به داده‌ها دسترسی داشته باشند و هم سیستم مالیاتی بتواند داده‌ها را راستی‌آزمایی کند و بعد در صورت وجود مغایرت جرایم سنگین تعریف کند. از طرفی داده‌های مالی نیز باید مرتباً به‌روزرسانی شوند چرا که ارزش پول مرتب تغییر می‌کند. ارزش یک بدهی مالیاتی در سه سال پیش نسبت به الان خیلی کمتر شده است.

بخش اعظمی از داده‌های بانک اطلاعاتی فراهم است اما کامل نمی‌شود؛ برای مثال سامانه املاک که دو سال است مکرراً به مردم گفته می‌شود که آن را تکمیل کنند ولی آنچنان استقبالی از آن نشده است. نام این ماجرا را هم می‌توانیم مالیات‌گریزی بگذاریم، هر دولت‌گریزی … اما به طور کلی فرهنگ جامعه آن قدر غنی نیست که مردم سفره را باز کنند و بگویند این سهم من و این هم سهم دولت. بخشی از کار هم مربوط به اقعاع مردم و فرهنگ‌سازی است.

اصولاً تجربه کشور ما در زمینه‌های مختلف نشان می‌دهد که وقتی در قوانین نیمه سنتی تغییر ساختار اتفاق می‌افتد یک دوره گذاری وجود دارد که برخی اوقات نامطلوب است و خوشایند مردم نیست. قطعاً اصلاحات یک شبه و یک فصلی اغلب زیان‌بار است اما اصلاح ساختار از طریق تکمیل بانک داده و اطلاعات کمک‌کننده است. در زمینه اصلاح ساختار مالیاتی نیز، اصلاح کلان باید با احتیاط پیش برود تا آثار تورمی آن ظاهر نشود.

**سیاوش غیبی‌پور**
**تحلیلگر مسائل اقتصادی**

**صفحه ۸**

**سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲**

**۴ رجب ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۴۹۶**

قطعا هستت پس قطعاً این حصری بودن وظایف برای هیئت‌رئیسه هم وجود دارد.

ضمن آنکه هیئت‌رئیسه مقید و مکلف به اجرا و اراده دو رکن دیگر یعنی هیئت نمایندگان و شورای عالی نظارت نیز هستت و لذا محدودیت‌های بیشتری از قانون نیز دارد که اوج آن در بند الف ماده ۱۹ یعنی هیئت‌رئیسه مربوط به وظایف هیئت‌رئیسه متبلور است و هیئت‌رئیسه مکلف به اجرای مصوبات شورای عالی نظارت و هیئت نمایندگان اتاق ایران است. حال آقایان بفرمایند وفق قاعده حصری بودن وظایف ارکان اتاق و نه تمثیلی بودن آن مستند به کدام بند از ماده ۱۹ قانون برای خود (هیئت‌رئیسه اتاق یا امور حقوقی اتاق) وظیفه و اختیاری درخصوص تشکیل هیئت حقوقدان شبه مستقل و اظهار نظر و صدور نامه و بیانه و تشکیل جلسه غیر قانونی و تعیین قانونی بودن یا نبودن مصوبات شورای عالی نظارت و تعیین حدود اختیار شورای عالی و از همه مهم‌تر عدم اجرای مصوبات ششورای عالی برای خود قائل شده‌اند. کدام ماده بند مصوبه مقرره یا قانونی چنین‌شان مضاعفی برای هیئت‌رئیسه قائل شده است؟

**اختیارات هیئت‌رئیسه**

پرواضح است اختیارات هیئت‌رئیسه تمثیلی نیستت. دبیرخانه اتاق و امور حقوقی یا کارشناس مدعو مرکز داورى اتاق ایران شانی مطلقاً برای ورود به موضوع ندارند. ضمن آنکه اگر تعارضی میان نظرات ارکان هیئت‌رئیسه و شورا باشد قطعاً نظر رکن عالی یعنی شورای عالی نظارت ارجح قرار می‌گیرد و هیئت نمایندگان باید از شورای عالی نظارت تبعیت کنند نه از هیئت‌رئیسه که رکن پایین‌تر است که در قانون نیز تصریح شده است. طرح موضوع آمریت شورای عالی نظارت بر هیئت نمایندگان، انحرافی استت و وظایف شورا از جنس سیاستت، راهبری، نظارت و تصویب آیین‌نامه‌های کلان برای اجرای صحیح مقررات و قانون است.

نزدیک‌ترین الگو به ارتباط شورای عالی نظارت و هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران از باب سیاست‌گذاری و نظارت، رابطه شورای عالی نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی در مجمع تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی است که بدون هیچ رابطه آمریت به موجب قوانین اساسی و دادی و مقررات ابلاغی رهبر معظم انقلاب، مجلس می‌فیدوشرط مکلف به رعایت نظرات نظارتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای وظیفه نظارتی است.

در بند ب و ج ماده ۹ قانون تشکیل اتاق بازرگانی ایران مرجع سیاستگذاری چارچوب‌دهی و نظارت بر حسن جریان امور و رسیدگی به شکایات و عملکرد اتاقها، شورای عالی نظارت است و هیئت نمایندگان و هیئت‌رئیسه اتاق مکلف به اجرای راهبردها و مداخلات نظارتی شورا هستند که در ماده ۹ در بند یک ماده ۱۹ و در ماده ۱۶ و ۲۴ تشکیل اتاق تعیین شده است.

به نظر می‌رسد هیئت‌رئیسه اتاق بازرگانی ایران بسا توجه به مکاتبات انجام‌شده، تکلیفی جز اجرای مصوبات ابلاغی شورای عالی نظارت ندارد که پیش از این نیز رئیس شورای عالی نظارت اجزای مصوبه یکم آبان ماه را طی نامه‌ای بعد از مکاتبه هیئت‌رئیسه مورد تأکید قرار داده است که در صورت عدم اجرای مصوبات و تأکید رئیس شورا علماً موجب ترک فعل هیئت‌رئیسه نخواهد می‌شود و باید پاسخگو باشند. امیادوریم هیئت‌رئیسه هر چه سریع‌تر از اعلام نظرات دارای سوگیری خودداری کند و به وظیفه شایسته خود در راهبری اتاق بازرگانی اقدام کند.

## سرمایه لازم برای نجات بانک‌ها

شود به لایه یک که بررسی این اشکال‌ها در این مقال نمی‌گنجد. این دو اشکال نمونه نشان می‌دهد، احتمالاً بانک مرکزی با مسامحه بیشتری در ارتباط با بانک‌های ناتراز برخورد می‌کند.

۳) تقریباً در تمام گزارش‌های حسابررس مستقل و بازرس قانونی که ضمیمه صورت‌های مالی بانک‌های تجاری استت، اشاره شده است که در محاسبات سرمایه نظارتی و موزون کردن دارایی‌های ریسکی، طبق دستورالعمل رفتار نشده است و از این حیث، نسبت کفایت سرمایه بیش برآورد شده است.

با در نظر گرفتن این نکات، می‌توان دریافت که نسبت کفایت سرمایه نظام بانکی ایران احتمالاً بسیار کمتر از عدد به دست آمده خواهد بود. در ادامه، سرمایه لازم برای رسیدن به حداقل میزان کفایت سرمایه محاسبه شده است. طبق محاسبات نگارنده حداقل ۶۰۰ همت لازم است تا کفایت سرمایه نظام بانکی ایران به عدد حداقلی هشت درصد دست یابد.



باید توجه داشت علت پایین بودن سرمایه نظارتی مازاد در دو کشور هند و آذربایجان این است که دارایی‌های آن‌ها به دلار عدد زیادی نیست و مجموع کل دارایی‌های نظام بانکی این دو کشور از سرمایه مازاد کشور عربستان کمتر است. علت پایین بودن سرمایه نظارتی مازاد در پاکستان، کم بودن نسبت دارایی‌های موزون‌شده به ریسک به کل دارایی‌ها است که سرمایه نظارتی کمتری را می‌طلبد. در حالی‌که در ایران هم دارایی نظام بانکی حدود ۱۵ هزار همت (حدود ۳۱۰ میلیارد دلار) است و هم نسبت دارایی‌های موزون شده به ریسک به کل دارایی‌ها نسبت به میانگین جهانی عدد بالایی است.

با توجه به نکات مربوط به محاسبه نسبت کفایت سرمایه که مطرح شد، کمبود سرمایه نظارتی در داخل کشور بسیار بیشتر از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است و با توجه به روند موجود در بانک‌ها، این میزان در سال ۱۴۰۲ افزایش خواهد یافت.

توجه کنید زمانی که ایران بخواهد با سایر کشورها و بانک‌ها ارتباط مالی برقرار کند، تحلیلی این نسبت‌ها و اعداد بسیار بااهمیت خواهد شد

و در شرایط فعلی فراغ از تحریریه برای بانک‌های خارجی رغبتی برای ایجاد تعامل با بانک‌های داخلی نخواهد بود.

**مرئضی مطلق، دانشجوئی دکترای بانکداری**

## ناترازی در نظام بانکی، به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است و هر سال که می‌گذرد، وضعیت عموم بانک‌ها وخیم‌تر می‌شود که مهم‌ترین دلیل آن اثربخش نبودن مدل نظارتی بانک مرکزی است که رشد نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی و ادامه‌دار بودن تورم مزمن در سال‌های اخیر از نتایج این امر است.

مجموعه مقررات بازل که استانداردها و ضوابط بین‌المللی را شامل می‌شود به منظور نظارت بر بانکها و بهبود پایداری سیستم پولی و مالی تدوین شده است. استانداردهای بازل پس از بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۸ توسط کمیته بازل، با هدف افزایش قدرت مالی بانکها، نظارت سخت‌گیرانه‌تر بانک مرکزی و جلوگیری از وقوع بحران‌های مالی به‌روزرسانی گردید که از آن به عنوان بازل ۳ یاد می‌شود.

یکی از نسیبت‌هایی که در ابتدا در بازل مطرح شده بود نسبت کفایت سرمایه است که از تقسیم سرمایه نظارتی (سرمایه پایه) به دارایی‌های موزون‌شده به ریسک به دست می‌آید. صورت کسر، به سرمایه‌هایی اشاره دارد که از کیفیت بالایی برخوردار هستند تا انعطاف‌پذیری مالی بانک را افزایش داده و در مقابل بحران‌های اقتصادی به مانند یک سپهر برای سپرده‌گذاران بانک عمل نمایند. در مخرج کسر برای محاسبه ریسک‌های بانک، در ابتدا فقط ریسک اعتباری در نظر گرفته شده بود و با گذشت زمان، ریسک بازار، ریسک عملیاتی و ریسک نقدینگی هم اضافه شدند

و نسبت کفایت سرمایه با دقت بیشتری محاسبه می‌شد. حداقل میزان کفایت سرمایه هشت درصد است و سیاست‌های مقرراتی و نظارتی اکثر بانک‌های مرکزی دنیا با توجه به توصیه‌های جدید بازل، این حداقل را به عدد ۱۰ و نیم درصد رسانده‌اند.

بانک‌های مرکزی در تمام کشورها، در پایان هر سال، گزارشی جامع منتشر می‌کنند که بخشی از آن با هدف شفافیت مالی نظام بانکی ارائه می‌شود. علاوه بر آن گزارش‌های هفتگی هم منتشر می‌شود که برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در هر کشور، وجود چنین گزارش‌هایی از نان شب واجب‌تر است. متأسفانه چنین گزارش‌هایی از سوی بانک مرکزی ایران منتشر نمی‌شود. به همین علت و برای محاسبه دقیق، نگارنده از سرمایه‌های مالی منتشر شده اکثر بانک‌ها (تقریباً کل نظام بانکی) استفاده کرده است.

در محاسبه نسبت کفایت سرمایه نظام بانکی ایران ذکر چند نکته بسیار لازم به نظر می‌رسد:

۱) از اطلاعات تمام بانک‌ها در این گزارش استفاده نشده است؛ زیرا، داده‌های بانک ایران زمین و آینده در دسترس نیستند؛ چرا که آخرین صورت مالی حسابرسی شده این دو بانک به ترتیب به سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ برمی‌گردد؛ هر چند این دو بانک قطعاً سرمایه نظارتی منفی خواهند داشت

۲) نسبت کفایت سرمایه نظام بانکی را کاهش خواهند داد.

۳) دستورالعمل محاسبه سرمایه نظارتی و کفایت سرمایه مؤسسات اعتباری که در اردیبهشت ۱۴۰۲ به بانک‌ها ابلاغ گردید، دارای اشکالات جدی است؛ برای مثال، افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها (مشاع) و یا انتقال مازاد تجدید ارزیابی از سرمایه لایه